

نامزد فیلمنامه اقتباسی اسکار، یعنی «ببر سفید»، فیلمی ظاهرا علیه تبعیض، در ادامه رویکرد تحقیر فرودستان است البته با چاشنی ضدیت با خشونت؛ «ببر سفید» فیلمی علیه خود دمو کراسی هم هست که هیچ پیشنهاد اخلاقی ای ارائه نمی دهد. فیلمی که هندی ها، حتی آنها که درد و رنج شان به نمایش در آمده، از آن نفرت خواهند داشت

پرونده «وطن امروز» درباره فیلم سینمایی «ببر سفید» که بر خلاف فیلم های هندی، دنیای متفاوتی را به تصویر می کشد

پارازیت بالیوودی!

مصطفی پورکیانی: سینمایی «ببر سفید» (The White Tiger) به نویسندگی و کارگردانی رامین بحرانی محصول سال ۲۰۲۱ سینمایی هند، فیلمی درام است که بحرانی آن را از زمانی که همین نام اقتباس کرده و توانست با این فیلم نامزد بهترین فیلم اقتباسی در میان جوایز اسکار امسال باشد. رامین بحرانی که در «ویستون سیلم» ایالت کارولینای شمالی به دنیا آمده، دانش آموخته رشته تئوری سینما از دانشگاه کلمبیاست و کار حرفه ای خود را به عنوان فیلمساز سال ۱۹۹۸ با فیلم «تخته نرد» شروع کرد و در ادامه با فیلم هایی چون «برد ارباب به دست»، «خدا حافظ سولو»، «به هر قیمتی» و «۹۹ خانه» خودش را به عنوان فیلمساز مطرح به دنیای سینما معرفی کرد. فیلم های سینمایی «به هر قیمتی» و «۹۹ خانه» بحرانی در سال های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ توانستند نامزد دریافت «شیر طلایی» جشنواره ونیز شوند و «ببر سفید» او در نود و سومین دوره جوایز اسکار، نامزد بهترین فیلمنامه اقتباسی شد که در نهایت سینمایی «بدر» به نویسندگی فلور یان زلو و کریستوفر همتون این جایزه را از آن خود کرد. رمان «ببر سفید» نخستین داستان بلند «آر ویند آدیگا» نویسنده هندی-استرالیایی است. آدیگا قصد خود از نوشتن این رمان را پرداختن به شکاف گسترده میان ثروتمندان و فقیران که به نظر او مهم ترین مساله موجود در هند است عنوان کرده و آن را تلاشی برای ثبت صدای طبقه بزرگ پایین جامعه کشورش دانسته است. آدیگا با «ببر سفید» توانست برنده جایزه ادبی «من بوکر» (The Man Booker Prize) در سال ۲۰۰۸ شود. این جایزه یکی از مهم ترین جوایز ادبی دنیاست که هر سال به بهترین رمان جدید انگلیسی زبان اعطا می شود. این جایزه تا سال ۲۰۱۴ تنها به نویسندگان کشورهای مشترک المنافع، انگلیسی ها و ایرلندی ها تعلق می گرفت اما از سال ۲۰۱۴ تمام آثار نوشته شده به زبان انگلیسی، حق شرکت در آن را پیدا کرده اند. نام برنده این جایزه به طور وسیعی در مطبوعات آورده می شود و بنابراین بردن جایزه بوکر تأثیر فراوانی در فروش کتاب می گذارد. رمان «ببر سفید» روایتگر داستان پسری روستایی به نام «بالرام حلواپی» است که پدرش سال ها کالسکه ران بوده اما او به جای ادامه راه پدر، جای فروشی را بر می گزیند. او پس از مهاجرت به دهلی نو، منافع خانواده اش را فدای منافع شخصی و رویاهایش می کند. بالرام در ادامه با تقلب، فساد و دروغ گویی پیشرفت می کند و سرانجام به فردی پست و جنایتکار تبدیل می شود. فیلم «ببر سفید» که با بازی پرانکا چوپرا جوناس، راجکومار راو و جدیدترین استعداد سینمای بالیوود آدرش گورو، توسط نتفلیکس منتشر شده، یک داستان هیجان انگیز کمدیک و تاریک از رشد اقتصادی ناخوشایند هند است. روایت فیلم «ببر سفید» پیرامون یک شخصیت حاشیه نشین به نام بالرام حلواپی (Adarsh Gourav) می چرخد؛ شخصیتی که چرخ روزگار او را از پایین منظومه زندگی به بالای آن می برد. این فیلم نشان می دهد بالرام چگونه از خدمتکاری اربابان خود آشوب و پستی بازی را جکومار راو و پرانکا چوپرا به یک کار آفرین در هند مدرن تبدیل می شود. در واقع «ببر سفید» روایتگر سفر تاریک و ناخوشایند بالرام است؛ سفری که فرار یک خروس از قفس تا تبدیل شدنش به یک موجود با قدرت را که نباید او را زاغ نشین صدا کرد، روایت می کند. فیلم «ببر سفید» ۱۳ ژانویه (۲۴ دی ۹۹) در سینماهای ایالات متحده برای اولین بار به نمایش درآمد و توانست نظر اکثر منتقدان را به سوی خود جلب کند. اکثر منتقدانی که این فیلم را تماشا کردند، آن را مورد تحسین قرار دادند و بیشتر از هر چیزی سبک کارگردانی و نویسندگی رامین بحرانی و همچنین عملکرد و بازی بازیگران را دوست داشتند.



THE WHITE TIGER

خروس از قفس پرید!

علیه لیبرال ها، بلکه به طور کلی علیه سرمایه داران جامعه خود که جریانات چپ نیز جزئی از آن هستند، قیام می کند؛ قیامی که البته همچون سایر آثار مورد اشاره همراه با خشونتی افسار گسیخته است. دومین نکته را باید در شیوه ورود به قصه اصلی فیلم و آغاز شوکه کننده و البته کمی سرخوشانه آن جستجو کرد. «ببر سفید» یک قصه شبه فانتزی همراه با طنزی تلخ است که سعی دارد تناقض های زندگی ارباب-رعیتی را به تصویر بکشد؛ قصه ای شبیه به افسانه ها از جوانی که از هیچ چیز به همه جا رسید و در این مسیر یک موتور پیشران داشت؛ انتقام از طبقه سرمایه دار و حرکت در خلاف جهت آنها. سومین وجه تمایز «ببر سفید» با سایر این آثار را باید در شیوه روایتگری قصه اثر و مخاطب قرار دادن تماشاگران اثر به شکل مستقیم دید. رامین بحرانی، کارگردان ایرانی-آمریکایی این فیلم هر چند به سباق اغلب آثارش که دغدغه هایی اجتماعی دارند، در این فیلم نیز سراغ قصه ای از بطن اجتماع رفته است اما سعی کرده در این اثر از شیوه های قصه گویی کلاسیک کمی فاصله بگیرد و با خطاب قرار دادن مخاطب و ارتباط چشمی مستقیم راوی قصه با دوربین در برخی سکانس ها، حرف اصلی اثرش را بدون واسطه به مخاطبش بگوید پیامی درباره خروسی که نمی خواست در قفس بماند؛ پس تلاش کرد و با هر روشی که بلد بود، در نهایت جای خود را در نظام ارباب/رعیتی تغییر داد تا از قفس «هند تارک» به زندگی شیرین در «هند روشن» برسد پیام فیلم برای مخاطبان واضح است: در جنگلی که سرمایه داری بر حومه لیبرال ها و ریاکاری سوسیالیست ها برای طبقه ضعیف ساخته، اگر شکار نکنی، شکار خواهی شد و تا آخر عمر سرنوشتی بهتر از زندگی در قفس نخواهی داشت!

احسان سالمی: «ببر سفید» را باید از نمونه های موفق پیوند سینمای اقتباسی در چند سال اخیر دانست؛ اثری سینمایی به کارگردانی رامین بحرانی که بر اساس زمانی به همین نام و به قلم آر ویند آدیگا نویسنده هندی-استرالیایی ساخته شده است. اثری در نقد نظام سرمایه داری که می توان آن را یکی از متفاوت ترین آثار سینمای هند در این سال ها دانست؛ حداقل برای مخاطبان ایرانی که از سینمای هند بیشتر با آن بریده های عجیب و غریب و فوق الفانتزی از فیلم های هندی در فضای مجازی خو گرفته اند، دیدن چنین تصویر متفکرانه و متحیر کننده ای از سینمای هند بسیار جالب توجه خواهد بود. «ببر سفید» را هر چند از یک نظر می توان قطعه ای دیگر از پازل بزرگ سینمای جهان در نقد نظام سرمایه داری به شمار آورد و آن را در ادامه فیلم هایی همچون «جوکر» از سینمای آمریکا و «نگل» از سینمای کره و «پلنفرم» از سینمای اسپانیا دانست ولی از جهت این فیلم را باید از تمام آناری که به آنها اشاره شد، متمایز کرد. اول آنکه تیغ نقدهای «ببر سفید» نه فقط بر گردن سرمایه داری، بلکه بر گردن جریان چپ سوسیالیستی نیز فرود می آید فیلم هر چند در کلیت قصه در نقد مستقیم نگاهی است که سرمایه داران و زرسالاران به طبقه فرودست دارند اما این بار با بسط دادن دامنه انتقادات، جریان های چپ صاحب قدرت نیز با لیبرال ها در یک کفه ترازو قرار می گیرند تا بدرستی به این موضوع اشاره شود که خروجی نهایی هر ۲ تفکر در نهایت چیزی جز له شدن طبقه فرودست زیر فشارهای بی رحمانه طبقه اشراف نیست. این بار نیندیده طبقه فرودست نه فقط



از خواب قصه بلند شو

مهدی طاهر خانی: به عنوان یک معلم یا یک مدیر که مجموعه زیر نظرش می تواند یک خانواده باشد تا نهایت یک کشور برای یک رئیس جمهور، حقیقتا نمی داند تکلیف تان با فیلم ببر سفید چیست؟ به عنوان یک بزرگ تر و معلم آیا می توانید دیدن این فیلم را به شاگرد تان و بقیه پیشنهاد کنید یا نه؟ ببر سفید اثری است کاملا متفاوت از آن چیزی که پیش تر در قالب فیلم هایی به سبک و سباق «هیلیون زاغ نشین» دیده ایم. این فیلم اقتباس از رمان برنده جایزه ادبی بوکر نوشته آر ویند آدیگا در سال ۲۰۰۸ است؛ یک داستان هیجان انگیز کمدیک و تاریک که از رشد اقتصادی لجام گسیخته هند می گوید و تاگهی زیر پستی به همه واقعیت های این کشور دارد. خالق اثر نگاهی کاملا رئالیستی و واقع گرایانه به همه تناسبات آن جامعه دارد. چشمداشتی را نمی بیند، به رویا فرو نمی رود و بی جهت درس اخلاق نمی دهد. در آن مکان و زمان مشخص، مخاطب را به پاک بودن و سپید زستن، رهنمون نمی سازد. در بیرون همانند قصایبان زندگی کردن و موفق شدن با رعایت نسبی اخلاق، اولویت دارد به زندگی کوتاه و بی اختیار در قفس خروس. اگر فیلم را ندره ادب بهتر است ادامه متن را نخوانید، چرا که قرار است انتهای قصه را فاش کنیم. قهرمان اصلی فیلم، همه آنچه را بر او گذشته تا از هند تارک و

سپاه و به عنوان یک تهدید مستمط که یک کارآفرین موفق تبدیل شود، در قالب یک ایمیل به نخست وزیر چین، روایت می کند. در این فیلم برخلاف هیلیون زاغ نشین، قهرمان ماجرا بالرام حلواپی، برای رسیدن به آرزو و آرمان هایش از همه ابزارها استفاده می کند؛ از قتل تا همه دوز و کلک هایی که همانند زردهای متوالی یک نردبان هستند. داستان فیلم در فضایی کاملا واقعی و حقیقی تعریف می شود. اختلاف طبقاتی، ظالم و مظلوم، پولدار و بی پول، همه همین چیزهایی هستند که پیش تر امثال چارلز دیکنز و رمان معروفش (لولیور تویست) پیرامونش نوشته اند اما اکثرا با پندارهایی اخلاق مدارانه، بالرام حلواپی و قصه اش برخلاف بقیه، بیش از آنکه اخلاق مدارانه و عارفانه باشد، کاملا مبتنی بر حقایق موجود در آن اجتماع است. قرار نیست ارباب زورگو به پایین کشیده و دل بیننده خنک شود. نه این قصه ارباب شدن بالرام با روش خودش است. در جامعه فئودالی که ارباب همانند زالو تا آخرین قطره خون رعیت را می مکد، کمی بالاتر سیاستمدار دست چپی که از آرمان های عوام پرینه سوسیالیست طرفداری می کند، زاوی بزرگتری است که اتفاقا از همان خون ارباب از تراق می کند. ببر سفید قصه که استعاره از موجود کمپایی است و قرار نیست همه شبیه آن باشند، از تیزهوشی محض استفاده می کند و ساختارها را می شکند و دست آخر بالاترین درجه دالت اسلنی یعنی قتل را برای رسیدن به موفقیت انجام می دهد. تصور کنی اگر ارباب فاسد نبود، سیاستمداری که شعار مردم گرایی می دهد، رشوه گیر و زیرزمینی گیر نبود و مهم تر از همه مجری قانون یعنی پلیس در ازای پول، چشم بر حقایق نمی بست و به یک قاتل مجوز تبدیل شدن به یک کارآفرین موفق را نمی داد،



تورر علیه ترور یسم

رضا کردلو: یکی - دو سال پیش کتابی به دستم رسید با عنوان «تورر علیه ترور یسم» پیرامون خوبی و بدی انقلاب فرانسه و چند سوال اساسی درباره اینکه آیا مردم قرن ۲۱ حاضر خواهند بود به همان شیوه خشنی که لویی شانزدهم و همسرش ماری آنتوانت را اعدام کردند، با هیات حاکمه فرانسه قرن ۱۸ مواجه کنند؟ و حتی سوالات اساسی تری شبیه اینکه آیا اصلا آن نوع اعدام «خشونت» محسوب می شود؟ و بعد اینکه «خشونت» مردم گرسنه طبیعی است یا خیر؟ اصلا فرودستان در حکومتی که به یکی از شیوه های خشن یا سیستماتیک، از اراده اعتراض منع شده اند، چه باید بکنند؟ و سوالاتی دیگر. تقریبا از ۲۰۱۱ و بعد از بحران وال استریته، از زمانی که چپها دوباره توانستند با پشتوانه مردمی قوی تری خیابان ها را فتح کنند، تلاش های سینمایی علیه آنها با دستمایه قرار دادن «خشونت بد است» شدت گرفته است. اسکار در سال حضور اسکورسیزی و تارتینو و سسم مندس، به «بونگ جون هو» اقبال نشان داد و در اتفاقی کم نظیر فیلم کره ای «نگل»، برنده اسکار شد؛ فیلمی که به رغم دراماتیزه کردن فضای زندگی فرودستان و برقراری رابطه سمپاتیک با آنها، بشدت تحقیرشان کرد طبقه فرودست با همه رنگی شان در دامی افتادند که دیگر هوش و کاربلدی هم نمی توانست نجات شان دهد و اینچنین شد که به خشونت رسیدند؛ خشونتی که تحسین نمی شود، بلکه نفرت مخاطب را به همراه دارد. «جوکر» هم به رغم تقبیح سرمایهداری و فاصله طبقاتی، علیه خشونت است، اگر چه در ایام اکران با تفسیرهایی نابجا حتی در داخل کشور ما مواجه بود، گزاره هایی از این جنس که «جوکر» برای گرای اعتراض به مخاطب خاورمیانه و شرق آسیا ساخته شده است! آن هم در شرایطی که خود آمریکا با بحران روزمره نژادپرستی مواجه بود و شبیه های پاریس تمام نمی شد. حالا نامزد فیلمنامه اقتباسی اسکار، یعنی «ببر سفید» فیلمی ظاهرا علیه تبعیض، در ادامه رویکرد تحقیر فرودستان است با چاشنی ضدیت با خشونت. «ببر سفید» البته ویژگی های دیگری دارد که پررنگ تر از گزاره های

